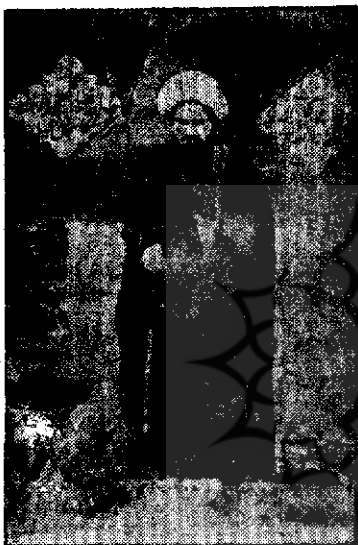


بقلم: آقای مرتضی مدرس چهاردهی

آقا میرزا محمد علی مدرس چهاردهی رشتی

پدر میرزا «۱۳۵۲ - ۱۳۴۴ ه. ق.»



ملا محمد نصیرالدین مدرس چهاردهی «۱» فرزند حاج زین العابدین چهاردهی از بزرگان علماء و مدرسین معروف مقیم رشت بود که سالها در اصفهان مشغول تحصیل علوم متقول و متقول بود.

کتاب شرح تجرید عبدالرزاق لاهیجی که در ایام تحصیل خود در اصفهان در سنوات هزار و دوست و سی نه و هزار دوست چهل سه هجری قمری بخط خود نوشته است در نزد نتیجه پسری ایشان که نویسنده

مدرس چهاردهی

این سطور باشد موجود است. ملا نصیر چهاردهی ثروت زیادی از پدر خود حاج زین العابدین چهاردهی که از اعیان گیلان بود به میراث برد و چون در آن ایام حاج امین دیران نامی حاکم گیلان شده بود بقول همه دست تعدی و تصرف در

۱- چهارده یکی از دهات خوش آب و هوای گیلان است که در مسیر راه رشت به لاهیجان و در کنار رود معروف «سفیدرود» قرار گرفته است و گویند تا چند سال قبل تلباری در چهارده بود «انبار برنج» که از شاهان صد سال قبل بود و مردم برسم یادگار چیزهایی بر آن نوشته بودند از آن جمله «هزار دانه تخم مرغ بقیمت یک قران در چهارده بفروش میرسد» بر آن نقش کرده بودند.

املاك ضعفا دراز نمود و املاك ملا نصير را نيز در چهارده تصرف نمود و ملا نصير الدين هر چه كوشش نمودند كه شايد بتوانند حق خود را بسنابند موفق نشدند ناچار كوشه گيرى را اختيار نمود و بكارهاى علمى و بحث و تدريس و عبادت اوقات خود را در رشت پايان رسانيد و در آن ايسام معروف به ملا نصير الدين مدرس چهاردهى بود و گويند در حدود پنجاه و اندى سال عمر نمود و جنازه اش را پسر بزرگ ايشان آقا ميرزا محمد على به نجف اشرف برد و در وادى السلام نجف اشرف دفن نمود از آثار قلمى ملا نصير مدرس چهاردهى حواشى مختصرى است بشرح تجريد عبدالرزاق لاهيجى و حواشى بر معالم الاصول.

آقا ميرزا محمد على

عالم جليل آقاى آقا شيخ آقا بزرگ طهرانى مولف كتاب الدرر به الى تصانيف الشيعه شرح مبسوطى در باره احوال و آثار استاد خود آقا ميرزا محمد على در كتاب بسيار نفيس « مصفى المقال فى مضى الرجال » مرقوم داشته اند و خلاصه كتاب مزبور را بنام الشيخة او الاسناد المصطفى الى ال المصطفى « تاليف و منتشر نموده اند كه ترجمه فارسى آن در باره آقا ميرزا على چنين است :

چهارمين نفر از مشايخ اجازه من :

شيخ ما علامه فقيه مدرس شيخ ميرزا محمد على بن ملا محمد نصير چهاردهى رشتى نجفى متولد در سنه هزار و دوست و پنجاه و دو متوفى در در نجف در آخر محرم سنه هزار و سيصدوسى و چهار است و القاء دروس متعدد نمود از سطح فقه و اصول بر بسيارى از محصلين در تمام طول عمر خود تا نزديك وفات و تاليفاتى دارد از جمله تعليقات بر منهج المقال است كه در يك مجلد بخط خود ايشان بدون است و روايت ميكند از شيخ خود علامه حاج ملاعلى بن ميرزا خليل طهرانى كه اسنادش در مشايخ شيخ محمد طه مذكور است (۱)

آقا ميرزا محمد على

حدود يازده سالگى بود كه پدرش وفات نمود و دچسار مشكلات خانوادگى شد و هر چه كوشيد كه شايد بتواند داد خود را از امين ديوان

ستمگر بستاند موفق نشد ناچار بعد از یکسال از تاریخ وفات پدر ترك كيلان را گفت و برای ادامه تحصیلات به قزوین رفت و دوسالی را در مدرسه صالحیه قزوین مشغول تحصیل شد و از قزوین بکربلا شتافت و چند سالی را در مدرسه هندیه ساکن شد و بعد به نجف اشرف مشرف شد و در اواخر حیات شیخ مرتضی انصاری به فیض درس شیخ انصاری موفق گردید قضا را بعد از دو سه سالی شیخ انصاری وفات نمود و ریاست حوزه علمیه نجف اشرف به آقا سید حسین کوه کمری معروف به ترك منتقل شد.

تا وفات سید کوه کمری (هزار و دوست و نود و نه هجری قمری) مرتباً به حوزه درس سید میرفت و تقریر درس آقا سید حسین را بخط خود در دو سه مجلد نوشته اند و از اساتید دیگری مانند حاج ملا علی خلیلی طهرانی که از زهاد معروف بود بهره ها برد و در علوم معقول و منقول جامع و استاد شد.

گویند آقا میرزا محمدعلی میدید که غالب طلابی که به نجف اشرف اشرف میروند برای تحصیل علوم نیست بلکه اصراری دارند که عنوانی بدست آورده و در شهر خود مقامی پیدا کنند و غالباً بی سواد بدیار خود مراجعت مینمایند و اساتید عالی مقام نجف اشرف هم حاضر نیستند کتب متوسطه عالی فقه و اصول را تدریس نمایند و بهمان عنوان خارج در مباحث فقه و اصول می پردازند و غالب طلبه ها هم از فهم آن دروس عالی عاجزند.

بنابراین مقدمات آقا میرزا محمدعلی نذر شرعی نمودند که بعد از تکمیل تحصیلات دروس خارج نگویند و تدریس را منحصر نمایند بکتاب درسی که طلبه ها هم چون دیدند که یک مجتهد بزرگ و معروفی باصطلاح طلبه ها سطح کتب را درس میگویند مرتباً به درس ایشان خواهند رفت تا طلبه ها بتوانند کتابها را درست بخوانند و از فهم مراد مولفین کتب اسلامی دور نشوند!

آقا میرزا محمدعلی تا آخر وقت ساعت زندگانی خود و غای به نذر نمود و غالب کتابهای درسی فقه و اصول فقه و کلام و ریاضیات را که متداول آن عصر بود تدریس میکرد و شبها و ظهرها و صبح هادر رواق بالای سر حرم

حضرت امیرالومنین علیه السلام نماز جماعت میخواندند و غالب زهاد و برهیز کاران و طلاب مقیم نجف در نماز جماعت بایشان اقتداء مینمودند و صبحها و عصرها در یکی از حجرات فوقانی قسمت جنوب شرقی صحن حضرت امیر علیه السلام درس میدادند و بقیه اوقات را بعبادت و تالیف می گذرانیدند.

آقاسید علی مجتهد نوری که از بزرگترین اساتید مقیم نجف اشرف است و از شاگردان میرزا بود حکایت کرد مرا که میرزای چهاردهی در طی دروس خود طرایف و ظرایفی را برای شاگردان خود میگفت که فایده آنها کمتر از دروس او نبود در یکی از درسها گفت که استادی داشتم که میگفت در ایام تحصیل در یکی از حجرات فوقانی صحن مطهر حضرت امیر (ع) ساکن بودم در یکی از شبهای مهتابی در شبستان آن حجره نشسته بودم و مشغول مطالعه و عبادت بودم دیدم که رفیق همدرس من که در حجره دیگری است شبی تا بامداد هر چند دقیقه بجز خود میروود و دو بشاره بر می گردد و در مهتابی مشغول مطالعه می شود مانند کسی که حالت انتظاری را در حجره داشته باشد و من خیلی از حالت دوست خود نگران شدم فردای آن شب ماجرای آن شب را پرسیدم گفت :

راستش این است که دیروز يك پل سیاه اضافه داشتم هوس کردم که انجیری بخرم انجیری خریدم و در حجره گذاشتم و چون خلاف عادت و بیشتر از مخارج روزانه من بود تا صبح بانوس اماره خود در کشمکش بودم که چه باید کرد؟؟؟

گاهی تصمیم بر خوردن انجیر می گرفتم و ناگهان از حرکت نفس خود شرمند میشدم که ممکن است فردا کار دیگری را انجام دهم منصرف می شدم و مشغول مطالعه و عبادت میشدم ناگهان با خود حدیث نفس می گفتم که يك پل سیاه چه ارزش دارد خوب است انجیر را بخورم و کار حرامی را هم مرتکب نشده ام تا بالاخره پس از کشمکش با نفس خود نزدیک اذان صبح انجیر را بدور انداختم و شکر خدا را نمودم که مرا از مقدمات هلاکت نفس نجات داد و بر نفس خود غالب شدم.

آقا میرزا محمد علی میگفت که ما چنین استادی را داشتیم که چنین

شده ایم نمیدانم شما چه خواهید شد؟! و شاگردان شما چه بلاهائی خواهند شد.

باز هم آقا سید علی مجتهد نوری حکایت کرد مرا که در یکی از روزهای تابستان که بقول عرب ها قلبا لاسد بود ظهر دیدم در خانه ام را بشدت میکوبند رفتم در را باز نمودم دیدم یکی از طلبه ها و از همدرسان من است که با يك حالت پریشانی آمده است گفتم چه اتفاقی افتاده است گفت: از گرسنگی به تنگ آمده ام وزن و بچه ام را بتو واگذار مینمایم و خود بایران میروم که شاید خداوند گشایشی در زندگانی من فراهم سازد هر چه خواستم که بخانه بیاید و دمی را از شدت گرما آسوده شود شاید بحالت طبیعی بازگشت کند و راه حلی برای زندگانی او در نظر بگیریم، رفیق پریشان حال ما قبول نکرد و اصراری بحرکت بایران داشت گفتم با کسی صحبت و یا مشورتی در این باره نموده اید؟! گفت نه گفتم خوب است الساعه به حرم حضرت امیرع مشرف شوید و آقا میرزا محمد علی هم در آنجا مشغول عبادت است استخاره از قرآن بنمائید هر چه استخاره کلام الله گفت همان را قبول می کنیم همدرس ما که ارادت غریبی با استاد خود داشت رفت و بعد از ساعتی بازگشت دیدم می خندد گفتم چه شده است؟! گفت نزد میرزا رفتم بعد از نماز جماعت استخاره خواستم میرزای چهاردهی قرآن مجید را باز نمود گفتند آقا شیخ از حضرت امیرع خجالت نمیکشید که زن و بچه خود را بی سرپرست در نجف میگذارید و برای شکم چرانی بایران میروید صبر نما قریبا فرجی برای شما فراهم میشود و کمکی بامور زندگانی من نمود و همه از استخاره میرزا در تعجب شدیم و همین تصمیم را گرفتیم که دوست پریشان حال ما بنوائی رسید و از تنگی معیشت رهائی یافت.

آقای سید محمد خلخالی که از زهاد و پیشمنسازان معروف نجف اشرف بود و در این دوسه سال اخیر وفات نمود حکایت کرد مرا که یکی از همدرسان پایه آقا میرزا محمد علی که استادش بود گفت دیشب خوابی دیدم که حضرت امیر المومنین علیه السلام با شمشیر برهنه از ضریح مطهر خود بیرون آمد و حمله ب مردم نجف نمود من فرار کردم و بکربلا شتافتم و پناهنده به قبر امام حسین ع شدم که چه نشسته اید پدر بزرگوار شما همه مردم نجف را کشته است و من فرار کردم و پانچوا پناهنده شدم

ناگهان از ترس بیدار شدم !! آقا میرزا محمد علی گفت خیر است انشاء الله
عاقبت در کربلا خواهید مرد و همانجا هم مدفون میشوید ؟
هفته نگذشت که برای آن طلبه خبر رسید که دسته از خاندانش
از ایران آمدند و در کربلا می باشند او هم فوراً برای استقبال و دیدار
فامیل بکربلا رفت و چندی بعد خبر رسید که در همانجا بیمار شد و فوت
نمود و در کربلا بتفکاش سپردند :

باز هم آقا سید محمد خلیجالی حکایت کرد مرا که گفت به آقا میرزا
محمد علی گفتم که در حدود چهل سال از عمر شما میگذرد چرا زنی
را اختیار نمی نمائی میرزای چهاردهمی چند تکه نان خشک شده را که
در روی رف حجره بود برداشت و خورده نموده و خورد و آبی هم روی آن
نان آشامید بعد گفت چه زنی حاضر است با این حال بسامن بسر برد ؟
بالاخره خداوند رحمت الهی را بروی عطا نمود و دختری از بزرگترین

و شریف ترین زنان کیلان بوی ارزانی داشت
مرحوم آقا شیخ اسدالله مجتهد زنجانیه که از معارف شاگردان و خواص
آقا میرزا محمد حسن شیرازی مجتهد معروف شیعه در سامرا بود حکایت
کرد مرا که در آن اوقاتی که میرزای شیرازی در نهایت عزت و شوکت
ریاست تمام شیعیان جهان را داشت در یکی از روزهایی که در محضر
میرزا بودم دیدم یکی از تجار معروف رشتی بنام حاج حسن «جدیدالاسلام»
بحضور میرزا آمد و پول زیادی از بابت وجوهات شرعیه آورد میرزا گفت
در نجف اشرف نزد آقا میرزا محمد علی رشتی رفته اید ؟ و کمکی بایشان
نموده اید یا نه ؟ حاج حسن گفت او را ندیده ام و نمی شناسم ! میرزا گفت
زیارت شما قبول نیست حتماً به نجف مراجعت کنید و تمام این پول هارا
بایشان تقدیم دارید بالاخره میرزا امر نمود و حاج حسن به نجف رفت و
آقا میرزا محمد علی را که در حوزه علمیه مدرس معروفی بود ملاقات نمود
و پول هارا باو داد و یگانه دختر خود را تقدیم او داشت و آقا میرزا محمد علی
آنرا بزنی اختیار نمود و از لحاظ مادی خاطرش آسوده شد .

گویند حاج حسن هر سال مبلغ هنگفتی از پول و کمالاً برای آقا میرزا محمد
علی داماد خود میفرستاد و در یکی از سالها حاج حسن برای زیارت و دیدار
دختر و داماد معروف خود به نجف رفت دید در خانه میرزا چهاردهمی بساطی

نیست و همه ثروت را بفقرا و طلاب انفاق نموده اند حاج حسن ناچار شد که تمام پول و کالاهارا بنام دختر خود ارسال دارد تا دامادش کمتر تصرفی در اموال زن خود نماید گویند با این وصف بارها میدیدند که میرزا محمد علی بخانه مراجعت نموده و نه پیراهنی در بردارد ! و نه زیر شلواری در تن !! معلوم میشد که در بین راه که پول با خود همراه نداشت که انقافی کند عیارا به سر میگذاشت در گوشه ای خلوت پیراهن و شلووار را از تن بیرون آورده و به بینوایان نثار میکرد و هر چند روزی این قضیه تکرار می شد که بارها دختر حاج حسن بشوهر خود آقا میرزا محمد علی میگفت من و فرزندان خود را هم در ردیف مستحقین قرار دهید و انقافی که بآنها می نمایم به ما هم بنمایید میرزا در جواب میگفت خدا بزرگ است فرزندان من هم خدائی دارند !

آقا ضیاء الدین عراقی (سلطان آبادی) که از بزرگترین استادان قرن اخیر در نجف اشرف بود حکایت کرد مرا که هر طلبه با استعدادی که به نجف اشرف میآمد هر گاه درس خارج میخواند بندرس آخوند ملا محمد کاظم خراسانی میرفت و هر گاه دروس سطح میخواند بدروس آقا میرزا محمد علی رشتی میرفت.

آقا ضیاء الدین عراقی داستانها و قصه های شیرینی از آقا میرزا محمد علی بغض اش و میگفت میرزای چهاردهمی نکته ها و ظرایفی در طی مباحثات علمی خود بیان مینمود که بیشتر بر خلوت درس اومی افزود و از هر يك از شهرهای ایران و هندوستان و قفقاز و ترکستان شاگردانی داشت که بناسبتی امثال و حکم آن نواحی را در طی مباحثه خود میگفت آقا میرزا محمد طهرانی عسکری مؤلف کتاب بسیار نفیس مستدرک بهار الانوار که از معارف محدثین و علمای مقیم عراق عرب است بارها حکایت کرد مرا که نقل می کنند از آقا میرزا محمد علی که هفدهم ربیع الاول را وفات همین سعد وقاص قاتل حضرت اباعبدالله میدانستند و بسیاری از علماء مقیم نجف میرزای چهاردهمی را در تتبع اخبار و احادیث در ردیف علامه مجلسی و نقه الاسلام حاجی نوری میدانستند آقا میرزا محمد علی رشتی چهاردهمی بر خلاف بعضی از فقهاء بهر فضای بزرگ امثال شیخ طاهر و ملای رومی و بابا طاهر همدانی علاقه و ارادت داشت و با شاعر آلانف گاهگاهی

مترنم بود و با خواندن حمد و سوره از روح پر فتوح آنان استمداد می جست و در ریاضیات و علوم غریبه مانند جفر و رمل مهارتی بسزا داشت و یادداشت‌هایی در این زمینه بخط خودشان بیادگار گذاشته اند و در تعبیر خواب و استخاره مهارتی غریب داشت و داستان‌هایی از این امور درباره آقا محمد علی بر سر زبان‌هاست که مختصری از آنها را اشاره نمودیم.

رساله علمیه آقا میرزا محمد علی مکرر در بیثی چاپ شده است و شناگردانش در غالب نقاط ایران و افغانستان و ترکستان و قفقاز و هندوستان بودند و وجوهات شرعیه برای استاد می فرستادند که بمصارف امور خیریه برسانند و در مدرسه بخارائی هادر نجف اشرف مقدار چندین هزار مجلد از کتاب‌های عربی و فارسی موجود که غالب آنها را نویسنده این سطور دیده است که بر پشت کتابها نوشته شده بود از موقوفه هائی است که از طرف اهالی بخارا توسط آقا میرزا محمد علی رشتی چهاردهی به نجف اشرف فرستادند که کتاب‌هایی را بر طلبه ها تهیه نمایند و تمام آن کتابها وقف بود که متأسفانه اکنون پراکنده شده است.

روزی که پدر عیال میرزا مرحوم حاج حسن جدیدالاسلام رشتی وفات نمود و دخترش استطاعت مالی پیدا کرد فوراً عیال خود را با فرزند ارشد خود مرحوم حاج شیخ محمد از طرف خود بخانه خدا فرستاد که سفر حج را بنمایند و خود از این فیض محروم بود چه احتمال میدادند که در راه مکه فوت کنند و از جوار مجاورت و دفن در کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام محروم شوند و از این جهت هم با آنکه اشتیاقی بزیارت حضرت امام رضاع داشتند از جهت کبر سن محروم بودند تا بالاخره خداوند دعای ایشان را مستجاب نمودند و در آخر محرم هزار و سیصد و سی و چهار هجری قمری در نجف اشرف وفات نمود و در یکی از حجرات جنوب شرقی صحن مطهر حضرت امیرع بخاص سپرده شد و از وصیت‌های ایشان این است که عمل صالح داشته باشند و به نمازهای واجب و نماز شب و زیارت عاشورا فرزندانشان مداومت نمایند تا رستگار شوند و در هنگام وفات دیناری از خود ذخیره نداشت بطوریکه میگویند برای دفن و کفن او باقرض پولی بدست آوردند و بخواکش سپردند و آقا سید محمد کاظم یزدی مجتهد معروف که آن ایام ریاست مطلقه عالم شیعه با ایشان بوده اند سایر علماء و طلاب از آقا میرزا محمد علی تشویح

جنازه نمود و گویند در ایام ریاست خود فقط برای تشییع جنازه يك نفر از اول بازار بزرگ نجف تاصحن تشییع نمود و آنهم جنازه آقا میرزا محمد علی بود و بنا بر مرسوم در غالب بلاد اسلامی شاگردان آقا میرزا محمد علی تا مدت یکماه مجالس فاتحه تشکیل دادند و از روح پر فتوح او استمداد می جستند و طلب مغفرت می نمودند.

آقا میرزا محمد علی در آخر محرم الحرام هزار و سیصد و سی و چهار هجری قمری در نجف اشرف وفات نمود و در حجره زاویه جنوب شرقی صحن مطهر حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام مدفون است.

تالیفات آن مرحوم (قسمت عربی)

- ۱- شرح قواعد علامه حلی پنج مجلد بزرگ ۲- حواشی بر شرح لمعة المشقیه يك مجلد بزرگ « قسمت وقت و قبله آن جداگانه در طهران چاپ شده است ۳- شرح منظومه آقا سید مهدی بحر العلوم يك مجلد بزرگ در طهارت و صلوة ۴- حواشی بر فرائد الاصول شیخ انصاری یک مجلد ۵- حواشی بر قوانین الاصول يك مجلد بزرگ ۶- حواشی بر ریاض فقه ۷- دو حاشیه بر حواشی آقا باقر بهبهانی « در رجال ۸- مقتل در تاریخ واقعه مکر بلا « احوالات حضرت اباعبدالله علیه السلام ۹- رساله اجازة کبیر روایت در حدیث در يك مجلد که بشاگرد خود عالم بزرگ شیعه در هند مرحوم سید ناصر حسین فرزند سید حامد حسین صاحب کتاب غنای الانوار مرقوم داشته اند ۱۰- تقریرات اصول فقه آقا سید حسین کوه کمری دو دو مجلد بزرگ.

تالیفات (قسمت فارسی)

- ۱- شرح صحیفه سجادیه يك مجلد بزرگ ۲- اصول الدین چاپ تهران ۳- مقتل در تاریخ شهادت حضرت اباعبدالله يك مجلد ۴- ذریعۃ العباد (دوره فقه) « دو مرتبه در بمبئی چاپ شده است ۵- شرح مطالع الانوار سید راحت حسین لکنهوی هندوستانی که از شاگردان آقا میرزا محمد علی بود چنانکه خودش در مقدمه کتاب شرح مطالع الانوار می نویسد قصیده در رثاء حضرت ابی عبدالله علیه السلام به ربی سروده بود و قصیده را بر استاد خود عرضه داشت و آقا میرزا محمد علی شرح مبسوطی فارسی بر آن نوشته است که بقول ناظم قه پیده مطالبی را که شارح استاد مرقوم

داشته اند در هنگام انشاد شعر شاعر بنظر نداشته است متن قصیده و شرح آن با مقدمه ناظم آن که در وصف استاد خود آقا میرزا محمدعلی نوشته است در لکنهو هندوستان چاپ شده است .

۶ - ترجمه مکارم الاخلاق طبرسی ۷ - ترجمه و شرح دعاء صباح منسوب بامیرالمومنین علی علیه السلام ۸ - ترجمه و شرح دعاء سمات ۹ - ترجمه و شرح دعاء صنمی قریش ۱۰ - ترجمه و شرح زیارت عاشورا ۱۱ - ترجمه و شرح دعاء کمیل ۱۲ - ترجمه و تلخیص شرح الزبارة جامعه شیخ احمد احسانی ۱۳ - ذریعت الصلوات در ادعیت ۱۴ - ترجمه لغات قرآن و صحیفه سجادیه ۱۵ - ترجمه و شرح رساله دعاء ثلاثه صاحب جواهر الکلام ۱۶ - وسیله النجات «در اصول عقاید مذهب شیعه اثنی عشری» ۱۷ - ترجمه و شرح نهج البلاغه ۱۸ - حواشی بر تشریح الافلاک ۱۹ - حواشی بر خلاصه الحساب شیخ بهائی

چند رساله دیگر در مباحث فقه و اصول دین که باستانهای يك دو کتاب بقیه تماما بخط مؤلف و با سواد آنها در نزد نواده بسری مؤلف « که نویسنده این سطور باشد » در طهران محفوظ است

فرزندان آقا میرزا محمد علی

از آقا میرزا محمد علی سه فرزند ذکور و سه دختر بیادگار ماند .
۱ - مرحوم حاج شیخ محمد مدرسی معروف بآیت الله زاده چهاردهی که از معاریف علمای روحانی بود که در سال هزار و سیصد هجری قمری در نجف اشرف متولد شد و در ذیحجه الحرام سال هزار و سیصد و چهل و پنج هجری قمری در رشت وفات نموده و جنازه اش را فرزند ارشد ایشان « که نویسنده این سطور باشد » به نجف اشرف برده و در کنار آرامگاه پدر بزرگوارش دفن شد .

۲ - مرحوم شیخ حسین چهاردهی که از جوانان پر شور و فاضل عراق عرب بود و پس از آنکه بایران آمد چندی در گیلان بود که مصادف با انقلاب جنگل گیلان شد و چندی در مدرسه متوسطه رشت تدریس مینمود تا در سن جوانی در دوم محرم هزار و سیصد و سی و نه هجری در رشت وفات نمود و جنازه اش به نجف اشرف نقل و در کنار پدر بزرگوارش دفن شد

۳- آقا میرزا هادی پیشوا و گیل پایه يك داد گسترى رشت كه از و كلابى خوب رشت و مورد توجه صوم طبقات مردم آن جا میباشد.
 برای تفصیل از شرح احوال و آثار آقا میرزا معتمد علی مدرس رشتی چهاردهی مراجعه شود به کتابهای تراجم امثال احسن الودیعہ جلد دوم چاپ بغداد والمشیخه عالم جلیل آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی چاپ نجف و مجلات الدریمه الی تصانیف الشیعہ و سایر تالیف آقا شیخ آقا بزرگ طهرانی و ربیعانہ لادب (قاموس الاعلام) عالم جلیل آقا شیخ محمد علی مدرس خیابانی تبریزی و تاریخ تراجم عامی قرن چهاردهم هجری تالیف عالم جلیل آقای آقا شیخ معتمد امین آبتالله خومی و کتاب اعیان الشیعہ تالیف آقا سید محسن امین.

بیاد مجدد قدیم اثر دانشمند محترم آقای مرتضی فرهنگ

ترانه غم!

بر بام بی گسسته استغفر و کاخ جم بومی زد این ترانه باهنگ زیرو بم
 یارب چه شد خراب چنین کشور عجم گلشن چرا خزان شد و سرد از چه رو قلم؟
 دست خیانتش بچنین روزها نشانده؟
 یا خاک فتنه دست طبیعت بر آن نشانده؟
 ایچرخ چون بکشوردار اشدی عبوس بگرفت آه و ناله غم جای طبل و کوس
 رفتن ببری خرابترا از اصفهان و طوس تبریز آذری زده بر جان چوسندروس
 هر مزد گو که اهرمنان خیره گشته اند؟
 دیوان بکاخ کشور جم چیره گشته اند
 از آتش مقدس و الواح بیستون بد گفتگو هماره بگلبانك ارغنون
 مهد تمدن و هنر ایران بد از فنون طوفان کل بکشور جم کرده رو کتورن؟
 کاینسان زباد حادثه زیر و زبر شده
 و امانده از ترقی و خاکش بسر شده
 کو کاوه تا درفش همایون کند بلند؟ تهمورسی کجاست که بادست دیوبند
 بازوی خاتین بکشد در غم کمند ایران دوباره زنده شود ملت ارجمند.
 غرنده تر ز شیر و بل افکن تراز پلنک
 صفدر گسه نبرد و تهمتن بسروز چنک